

شکل گیری اولین انجمن بلدی مشهد در دوره اول مجلس شورای ملی

محمد بیطرفان^۱

چکیده

انقلاب مشروطیت زمینه های شکل گیری نهادهای شهری را به وجود آورد. شهرها به عنوان مرکز تحولات سیاسی، نیاز شدیدی به سازمانی داشتند تا به ساماندهی امور شهری بپردازد. بر همین اساس برپایی انجمن بلدیه (شورای شهر) یکی از مهمترین اقدام مجلس شورای ملی در دوره اول بود. بنابراین، در نوشتار حاضر، به شکل گیری انجمن بلدیه شهر مشهد پرداخته می شود. انجمن بلدیه با نظارت بر عملکرد مجریان دولتی، تعیین نرخ ارزاق، توجه به امور حفظ الصحة و نظیفات شهری و ... زمینه مساعدی برای بهبود امور شهری و راحتی شهروندان ایرانی از جمله شهروندان مشهدی انجام داد. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی می باشد که از منابع تاریخی دست اول و جراید بهره برده شده است. همچنین تکیه اصلی این جستار بر روزنامه خورشید به عنوان مهمترین منبع اطلاعاتی این دوره قرار دارد.

یافته های پژوهش حاکی از آن است که با وجود مشکلات عدیده ای بر سر راه تشکیل انجمن بلدیه، اعضای آن تلاش زیادی جهت ساماندهی نظم شهری انجام دادند و روحانیون که بیشترین کرسی انجمن شهری را بدست گرفتند، گام های در راستای اسلامی کردن شهر برداشتند.

واژگان کلیدی: مشهد، انتخابات، انجمن بلدیه، اداره بلدیه، مجلس شورای ملی.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه خوارزمی.

مقدمه

پیش از انقلاب مشروطیت مفاهیمی همچون مشارکت سیاسی، تحدید حاکمیت در قالب قوای منفک، کاهش قدرت دربار و شخص شاه، نمایندگی مردم، جوا بگویی دولت به نمایندگان و ... حداقل جدای از قشر اندک تحصیلکرده، در میان عامه مردم ناشناخته بود. بنابراین پیروزی مشروطیت با همیاری قشر متوسط شهری و برخی نخبگان سیاسی در کنار رهبری روحانیون مطرح؛ بسیاری از سیاسیون، نظریه پردازان، سفراء، کاردانان و بالاخره سیاحان و مردم عادی دیگر نقاط را متحیر نمود. زیرا تجربه دموکراسی در ممالک غربی حاصل چندین سده تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بود؛ ولی جامعه ایرانی آن را تجربه ننموده بود.

بنابراین شکل گیری انجمن های رسمی و غیر رسمی بخشی از تحولات سیاسی - اجتماعی دوره اول مشروطیت را محسوب می شود. در این میان انجمن بلدیّه به عنوان سازمان شهری، نقش اصلی را در تحولات شهری ایفا می کرد. آرایش اجتماعی در این انجمن کم و بیش به اعتبار و نفوذ نامزد انتخاباتی در میان مردم محل باز می گشت. زیرا نمایندگان از محله های شهر به این انجمن راه پیدا می کردند. بنابراین ایمان، خوشنامی، معروفیت و عملکرد شخصی در قبال مردم محل، مراتب اعتبار نماینده را رقم می زد.

در بدو مشروطیت شهرها مرکز تحولات سیاسی کشور بودند. از اینرو انجمن های متفاوتی در راستای حمایت و پشتیبانی مجلس شورای ملی شکل گرفت. این انجمن ها به دو گروه رسمی و غیر رسمی تقسیم می شدند. انجمن های رسمی، سازمان های بودند که مجلس شورای ملی جهت توسعه سیاسی، نهادینه کردن قانون و پیشبرد اهداف مشروطیت ایجاد نمود. این سازمان ها به دو گروه انجمن های ایالتی و ولایتی

و انجمن های بلدیّه تقسیم می شدند. اما پیش از آنکه لایحه قانونی این انجمن ها در مجلس مطرح و به رأی گذارده شود، انجمن های محلی (یا ایالتی و ولایتی) برای انتخاب نمایندگان مجلس شکل گرفت (بهرنگی، ۱۳۸۴: ۱۲). از اینرو «برای آنکه انتخابات مجلس از نفوذ حکام به دور بماند، پیش بینی شد «هیات نظاری» از طبقات شش گانه شهری و زیرنظر حاکم تشکیل شود تا کار انتخابات مجلس را انجام دهند» (رجایی، ۱۳۸۵: ۵۳). هانری رنه دالمانی درباره انجمن محلی مشهد می آورد: «از سال ۱۹۰۶ شهر مشهد دارای یک انجمن محلی شده است که اعضاء آن در مواقع معین جلسه ای تشکیل میدهند و راجع بامور محلی با هم مشورت مینمایند، و کلائی که برای شرکت در پارلمان مرکزی تهران میروند بتصویب این انجمن انتخاب میشوند» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۶۱۸).

این سازمان ها به صورت نیمه رسمی بودند و فقط مسئولیت انتخاب نمایندگان مجلس و روانه کردن آنان به تهران را بر عهده داشتند. اما با ابتکار و اصرار انجمن تبریز، این سازمان ها پس از انتخابات مجلس شورای ملی در برخی نقاط به حیات خودشان ادامه دادند؛ تا اینکه با تصویب قانون انجمن های ایالتی و ولایتی، انتخابات آن به صورت قانونی انجام پذیرفت.

پیش از آنکه لایحه انجمن بلدیّه در مجلس مطرح و تصویب شود؛ مردم بعضاً انجمن های محلی را به عنوان انجمن بلدی می شناختند. چنانکه روزنامه تمدن با بیان بدبختی ها و فشار اشراری همچو شطرانلو و فولادلو به اهالی خلخال باز خدا را شکر می کند که انجمن بلدی در آنجا دایر است. همچنین از انجمن بلدی اسالم سخن به میان می آید (تمدن، سال اول، ش ۲۰، ۱۳۲۵ ق: ۴). همچنین لفظ انجمن بلدی بر انجمن ایالتی تبریز از سوی بزرگانی مجلس همچو سعدالدوله و آقا میرزا محسن بکار رفته است (مجلس، سال اول، ش ۲۱، ۱۳۲۴ ق: ۲). در این راستا روزنامه مجلس هم از مجالس نظار انتخابات رشت و انزلی به عنوان مجالس بلدی نام

می برد (مجلس، سال اول، ش ۵۲، ۱۳۲۵ ق: ۴؛ همان، ش ۵۳، ۱۳۲۵ ق: ۴). درباره انجمن بلدی شهر مشهد هم چنین اشتباهی آمده است که بدان پرداخته خواهد شد. درباره پیشینه تحقیق لازم به ذکر است که هیچ گونه تحقیقی درباره این نهاد مردمی نشده است. بنابراین تحقیق درباره نخسیتن عکس العمل مردم در قبال انتخابات شهری، میزان مشارکت عمومی و خواست‌های مردم ضرورت ساماندهی این پژوهش را مشخص نمود. در کنار نو بودن تحقیق، مشکلات عدیده‌ای نبود مطالب کافی، پراکنده و گاهاً تک بعدی به مشکلات تحقیق افزوده بود. علی‌ای حال با وجود چنین مشکلاتی، هدف اصلی تحقیق ترسیم نمای کلی از انتخابات و عملکرد پراکنده انجمن بلدیته شهر مشهد می باشد. سوال مهمی که در این زمینه مطرح می شود این است که انجمن بلدیته شهر مشهد چگونه شکل گرفت؟

۱. وضعیت سیاسی و اجتماعی مشهد در اوان مشروطیت

مردم شهر مشهد به دلیل وجود بارگاه امام هشتم و فضای سنتی و مذهبی اش، چندان به امور سیاسی توجه نداشتند. به خصوص اینکه این شهر از شهرهای مترقی و روشنگر همچون تهران، تبریز، رشت و منطقه قفقاز فاصله بسیاری داشت. بنابراین کمتر حضور و مباحثه روشنفکران و بازرگانان ترقی خواه را به خود می دید. چنانچه برخی ها مثل حیدر عمو اغلی کله های مردم مشهد را «نارس» فرض می کردند (نفیسی، ۱۳۲۵: ۴۸). اما تسلط روحانیون بر شهر که خود عمدتاً از حامیان نظام سلطنت شناخته می شدند، یکی از عوامل تأخیر ورود اندیشه ها و مفاهیم انقلابی به مشهد بود. ولیکن با تمام این موانع برخی عوامل مثل حاکمیت شرایط بسیار بد اقتصادی و اجتماعی و حضور برخی شخصیت های انقلابی و ضد حکومتی در مشهد باعث شد برخی از زمینه های انقلاب در این شهر شکل بگیرد. همچنین انتشار روزنامه های ادب و نشاط در آستانه مشروطیت و روزنامه های بشارت و خورشید در

دوره مشروطیت، ذهنیت مردم را رو به روشنگری سوق داد (متولی حقیقی، ۱۳۹۰: ۱۸). با این احوال مواردی مثل تاخت و تاز ترکمانان در شمال، عدم نظارت متمرکز و مستقیم قدرت مرکزی، اختلاف های سیاسی انجمن ها با حکومت و آستان قدس و ... باعث ایجاد دودستگی در شهر شد.

توده مردم مشهد پیشتر متمایل به دولت بودند و ریشه های مشروطیت هنوز در آنجا تقویت نشده بود. اقبال عمومی از مشروطیت هم بیشتر بر اساس هیجانانگیزی مردمی شکل گرفت تا خواست و شناختشان از مشروطیت؛ چنانکه ملک زاده در این رابطه اعتقاد دارد که زد و خورد مشروطه طلبان با مستبدان در مشهد بیشتر جنبه شخصی داشت و «خراسان هیچ وقت در راه مشروطیت قدم موثری برنداشت و مشروطه خواهان حقیقی در آن سامان نفوذی نداشتند (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۱۱۴۶/۲). حتی روزنامه مجلس هم به خاطر بسته بودن «چشم و گوش» مردم مشهد و خیال «پست» و افکار «محدودشان» بدانان می تازد (مجلس، سال اول، شوال ۱۳۲۴: ۲). در میان روحانیون مشهد هم مشروطه طلب بودند و هم طرفدار دولت و استبداد، ولی روی هم رفته اکثریت روحانیون شهر مشهد مشربی استبدادی داشتند و حتی همراهی برخی از آنان با مشروطیت بیشتر از روی اجبار افکار عمومی بود تا تمایل شخصی (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۳۴/۱).

علی ای حال به نظر می رسد با ظهور مشروطیت آمال و آرزوهای مردم برای زندگی بهتر در پرتو نظارت نمایندگان مردم برآورده شده باشد. اما روند انقلاب مشروطیت نشان داد که برآوردن حوائج عمومی آنچه که روشنفکران و مترقیان می پنداشتند با واقعیت فاصله زیادی داشت. هر چند برخی ها از این موقعیت استفاده نمودند و گلایه های خود را در روزنامه های آن دوره بازتاب دادند. به عنوان نمونه در شماره سوم روزنامه بشارت طی مکتوب شهری، نگارنده خواهان توجه بیشتر به فقرای

شهر و برآوردن نیاز های اولیه آنان شده است (بشارت، سال اول، ش ۳، ۱۳۲۴ ق: ۲).

از این رو یکی از مهمترین عواملی که باعث ایجاد نهادهای مشروطه و به خصوص انجمن بلدیته شد، اعتراضات مداوم مردمی به نابسامانی اوضاع شهری بود. مثلا در تاریخ ۱۴ محرم ۱۳۲۵ «کسبه ارض اقدس دکاکین خویشرا بسته و در صحن و مسجد نشسته که ما را انجمنی لازم و مجلس کنکاشی واجب که شاید دردهای بیدرمان بدرمان و سرهای سر شکسته بسامان رسد جمیع شهرهای ایران هر کدام دارای مجلس معدلت و محفل مشورت اند الا مشهد مقدس که اساس دیانت بواسطه صاحب این بقعه مطهره برپاست چرا ما دارای مجلس نباشیم که دردهای بیدرمان خود را بدرمان رسانیم و بزرگان مملکت را از اوضاع حالیه بلد مطلع سازیم...» (بشارت، سال اول، ش ۱۲، ۱۳۲۵ ق: ۴).

مشکلات عدیده ای شهری از جمله عدم نظافت خیابان ها و کوچه ها و نبود سازمانی که مجری تعادل نرخ ارزاق در بازار باشد، مردم را بیش از پیش رو به اعتراض می آورد. در کنار آن مشکلات عمده شهری به ناهنجاری های اجتماعی دامن می زد. مثلا در رابطه با عدم ثبات نرخ گوشت (بشارت، سال اول، ش ۱۵، ۱۳۲۵ ق: ۲)، مردم را بیشتر به احتکار و دزدی می کشاند. یا اوضاع نامناسب بافت شهری همچو کوچه های تنگ و باریک در کنار عدم رعایت بزرگان و مردم عادی در هدایت مال ها در این کوچه ها (خورشید، سال اول، ش ۵، ۱۳۲۵ ق: ۷)، مسائل زیادی می آفرید. جمع این مولفه ها زمینه های شکل گیری انجمن های مختلف شهر مشهد را به وجود آورد که عدم توجه بدان مسائل و مشکلاتی بیشماری را رقم می زد.

۲. پیشینه مدیریت شهری در ایران

حضور و مشارکت عمومی در تحولات سیاسی ایران پیش از مشروطیت با وجود استبداد متمرکز و سرکوبگر، وجود نداشت. ولی نظر و رضایت مردم، حداقل ممکن در تحولات شهری با نوع رفتار و رضایت عمومی از اشخاص شهری، اعمال می‌شد. به عنوان نمونه در زمینه رضایتمندی مردم از انتخاب کلانتر «در سندی به تاریخ ۱۱۰۷/۱۶۹۵ در باب برکناری خواجه محمد تقی کلانتر رشت و توابع و انتصاب خواجه محمد سعید که پیش از آن هم کلانتر بوده، به جای وی، آمده است که ۲۱۲۷ نفر خواهان به قدرت رسیدن دوباره محمد سعید شده‌اند و ۹۳۸ تن از آنان از محمد تقی شکایت کرده‌اند. بر این پایه، محمد سعید بار دیگر به کلانتری منصوب شد. در فرمان برای کلانتر شهر تبریز به تاریخهای ۱۱۷۷/۱۷۶۴ و ۱۱۸۷/۱۷۷۳ از جانب کریمخان زند صادر گردیده که در آنها به درخواست مردم برای انتصاب وی تأکید شده است» (لمبتون، ۱۳۸۲: ۱۰). به هر حال اگر نظر مردم در جریان این انتخاب‌ها رعایت نمی‌شد شورش‌های گوناگونی به وقوع می‌پیوست (فوران، ۱۳۸۸: ۲۳۸).

مدیریت و تعیین مناصب شهری در تاریخ ایران پیوسته از وظایف شاه و دربار در شهرهای بزرگ، و حاکم در شهرهای کوچکتر بود. تقریباً نخستین منصبی که نقش اساسی را در تحولات شهری ایفا نمود در شخص محتسب نمود پیدا کرد. هر چند این منصب بیشتر به خاطر عملکرد دینی اش شناخته شده است. چنانچه در انتخاب سرپرست آن یعنی محتسب بیشتر به دینداری وی تکیه می‌کردند (ابن‌خوه، ۱۳۶۷: ۴۸-۴۹). در دوره غزنویان و سلجوقیان با منصب رئیس برخورد می‌کنیم که هر چند از طرف حکومت مشخص می‌شدند ولی تا حدودی حافظ منافع مردم در قبال حاکمیت شمرده می‌شدند (لمبتون، ۱۳۸۲: ۱۰). پس از مطرود شدن منصب رئیس،

از سده نهم و دهم با منصب کلانتر برخورد می کنیم (برای اطلاع بیشتر از منصب کلانتر رک: فرهانی منفرد، ۱۳۷۸). فرق مهم کلانتر با رئیس این بود که تا اندازه‌ای کلانتر به نظر مثبت مردم انتخاب می شد.^۱

مناصب شهری در ایران تقریباً از زمان شکل‌گیری تا دوره ناصرالدین شاه، با وجود اسامی مختلف، وظایف مشابهی را تجربه نمود. از اواخر دوره ناصریاست که با سفرهای شاه به اروپا و پذیرش الگوهای شهرنشینی غربی، تحول شگرفی در مدیریت شهری شکل گرفت. نخستین قانونی که در زمینه امور شهری و شهرداری نگاشته شد دستور العمل بلدیة و نظمیه به قلم کنت دمنت فرت بود که در سال ۱۲۹۶ق به تأیید کامران میرزا نایب السلطنه و توشیح ناصرالدین شاه رسید (حقدار، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۸).

با شکل‌گیری انقلاب مشروطیت و برپایی مجلس شورای ملی، در کنار کنکاش نمایندگان برای تدوین قانون اساسی و متمم آن، دردها و معزلات شهری همچون کمبود و گرانی ارزاق (به خصوص تهران)، عدم بهداشت و حفظ نظافت شهری و ... گریبان گیر نمایندگان مجلس شده بود. زیرا نوع نگاه توده مردم برخلاف تحصیلکردگان، عمدتاً تسهیل و برنامه‌ریزی برای ارزاق و دیگر مشکلات معیشتی‌شان بود. به طوری که در نامه‌ای هم که به *ظهیرالدوله* می‌رسد سراسر گله و شکایت است که همه کارها در مجلس مغشوش و بی‌سامان است و «غیر از مسله نان و گوشت» شهر تهران سخنی دیگر نیست (ظهیرالدوله، ۱۳۵۱: ۲۴۸).

علی‌ای حال وجود چنین مشکلاتی، ضرورت تشکیل انجمن بلدیّه را ایجاب نمود. در چنین شرایطی برخی روزنامه‌ها همچون تربیت سعی نمودند این مهم را به نمایندگان مجلس گوشزد کنند (تربیت، سال نهم، ش ۴۱۰، ۱۳۲۴ ق: ۵). هر چند هدف مجلس هم همین بود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، ۱۳۲۵: ۱۰۷).

۳. شکل گیری انجمن بلدیه مشهد انتخابات

اطلاعات ما از انجمن بلدی مشهد همچو برخی مناطق دیگر بسیار اندک و محدود به کم و کیف نحوه برگزاری انتخابات می باشد. معیار انتخاب نامزدهای انجمن بلدی از روی انتخاب اشخاص معروف الحال محلات مختلف بود. در این انتخابات دیگر همچو انتخابات مجلس شورای ملی و انجمن های ایالتی و ولایتی بر پایه انتخاب طبقات شش گانه نبود. و مردم محل به دور از تفکیک طبقاتی به انتخاب فرد مورد نظر خود می پرداختند. درباره محلات درگیر در انتخابات انجمن بلدی شهر مشهد خبر در خور توجهی در مکتوبات عصر مشروطه نیست؛ بلکه بیشتر محور نوشته ها بر پایه فرایند شکل گیری انقلاب مشروطه می باشد. به هر حال با توجه به گزارش های پراکنده از منابع می توان چندین محل مهم شهر مشهد را درگیر در انتخابات پنداشت. مهمترین کتابی که شرح کاملی از محلات شهر مشهد در سال های منتهی به مشروطیت می دهد، کتاب مطلع الشمس محمد حسن خان اعتماد السلطنه می باشد. وی در این کتاب درباره محلات شهر مشهد می آورد: «شهر مشهد در این زمان شش محله بزرگ و ده محله کوچک دارد محلات بزرگ عبارتست از خیابان علیا و خیابان سفلی و سراب و چهارباغ و عیدگاه و نوقان و محلات کوچک محله پانچنار محله ارک و محله سرسوق و محله سرحوضان و محله جدیدها و محله مرویها و طپ المحله (تپ المحله) و محله غیر شمارهها که آنرا کوچه سیاهان هم گویند و محله کشمیریها و محله چاه نو میباشد حرم مطهر و صحنین و مسجد گوهرشاد و سایر مساجد و مدارس و بازار و حمام و کاروانسراهائیکه در بست مقدس واقع است داخل هیچ محله از محلات مزبور نیست و خود بنفسه در وسط آبادانی شهر واقع می باشند...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۵۲۷/۲).

نخستین گزارش از روند تشکیل انجمن بلدی باز می گردد به خبر روزنامه بشارت که خود دچار خبط شده و انجمن محلی را که به درخواست مردم قرار بود شکل

بگیرد به انجمن بلدی تعبیر کرده است (بشارت، سال اول، ش ۱۲، ۱۳۲۵ ق: ۴). به هر حال نخستین دغدغه‌های تشکیل انجمن بلدیّه در اوائل رمضان ۱۳۲۵ از سوی انجمن معدلت رضوی (ایالتی) بیان شد (خورشید، سال اول، ش ۵۶، ۱۳۲۵: ۱؛ همان، ش ۶۱، ۱۳۲۵ ق: ۲).

دستور تشکیل انجمن بلدی از طرف حکومت به وسیله عبدالحمید خانم‌تین السلطنه^۲ به سمع و نظر انجمن ایالتی رسید.^۳ اعضای انجمن هم از شنیدن این پیام مشعوف شدند و متین السلطنه را در اجرای این امر به واسطه متمدن و قانون‌خواه بودن همراهی کردند (خورشید، سال اول، ش ۶۴، ۱۳۲۵: ۲)

متین السلطنه در مدت سه ماه به آگاه کردن مردم در زمینه فعالیت‌های انجمن پرداخت و در اعلانات و اخبارهای مفصل، اهالی مشهد را بر لزوم تأسیس این نهاد متوجه کرد (حبل‌المتین تهران، سال اول، ش ۲۴۶، ۱۳۲۶ ق: ۳). روزنامه خورشید معتقد بود با اعلانات و اطلاعاتی که هیئت نظار در اختیار مردم گذاردند تقریباً قریب به اتفاق مردم هدف از تأسیس بلدی را درک کردند و نسبت به نظامنامه بلدی و تکالیف جاری آن مسبوق شدند (خورشید، سال اول، ش ۹۱، ۱۳۲۵ ق: ۴). ولی بعدها می‌بینیم که متین السلطنه به خلاف این نظر معتقد بود (همان، ش ۱۳۲۵، ۱۰۰ ق: ۱). در کنار تبلیغات هیئت متولی انتخابات جراید هم بیکار ننشستند و در زمینه انجمن بلدی و امورات راجع به آن به قلمفرسائی پرداختند.

به عنوان نمونه روزنامه خورشید در مقاله‌ای با عنوان «انجمن بلدیّه شغلش چیست» بیان می‌کند که

" انجمن بلدیّه غیر از عمال و اجزاء بلدیّه انجمن بالنسبه با اجزاء و عمله قوه مقننه میباشد در بلاد متمدنه برای انجمن بلدیّه از محترمین تمام طبقات انتخاب می‌شوند و خصوصی بمهندس و صاحب دیپلوم ندارد بلکه این مجلس ناظر است بلزوم فروعات قانونی که مذاکره می‌شود و عدم لزوم آن و تعیین

استعداد مملکت و قوه تحمل اهالی و شایستگی اجزاء اداره و رسیدگی بودجه و

سائر کلیات امر برخلاف عمده اجرائیه" (همان، ش ۹۵، ۱۳۲۵، ق: ۴).

عمده اجرائیه که مسئولیت وظایف شهری را عهده‌دار است باید «دارای مراتب علمی و عملی باشند از قبیل دکتر و مهندس و معمار و ...» (همان، ش ۹۶، ۱۳۲۵، ق: ۴). منظور کلی نویسنده مقاله این است که وظایف اجرای را اشخاص کاردان باید عهده دار شوند در صورتی که وکلای انجمن بلدی ملزم به کارهای اجرایی نیستند و اگر جزو محترمین شهر باشند هم اعتبار برای انجمن هدیه می‌آورند هم در برابر حکومت می‌توانند وزنه سنگین باشند. چنانچه در اعلامیه‌های که برای آگاهی مردم منتشر می‌ساختند افراد خارجه رفته و کاردان را از اولویت انتخاب شدن برخوردار دانسته بودند (همان، ش ۹۱، ۱۳۲۵، ق: ۴).

روزنامه خورشید در شماره ۹۱ اعلام می‌کند از اشخاص کاردانی که لیاقت حضور در انجمن بلدی را دارا باشند در روزنامه تبلیغ می‌کند (همان، ۴). در این باره می‌توان ادعا کرد اولین نوع تبلیغات انتخاباتی به طور اخص در روزنامه خورشید اتفاق افتاد، آنهم مربوط به انتخابات انجمن بلدی بود. به هر حال از این پیشنهاد روزنامه مزبور برخی‌ها استقبال نمودند که به شرح آن می‌پردازیم.

نخستین کسی که درخواست معرفی خود را در روزنامه مطرح کرد دکتر فتحعلی خان بود که غیر از خود جمعی دیگر از دوستانش را به قرار ذیل معرفی نمود:

"[میرزا احمد خان سرتیپ مهندس][اضیاء الطبا][آقا مشهدی محمد تاجر معروف عموغلی][حاجی محمد اسماعیل آقا تاجر کاشانی][و برادرش آقا میرزا علی اکبر][حاجی محمد اسماعیل معاون الصنایع]" (همان، ش ۹۳، ۱۳۲۵، ق: ۲-۳).

دومین شخصی که شرح حال خود برای تبلیغ جهت انجمن بلدی به روزنامه خورشید فرستاد شخصی به نام محمد تبریزی یزدی زاده بود. وی در شرح حال خود بیان می‌کند که در حدود ۱۷ پایتخت «دول اجنبی» را سیاحت کرده و همچنین در

حدود هفت سال در عثمانی مباشر عملجات تنظیفی بوده است (همان، ش ۱۳۲۵، ۱۰۳: ق: ۳-۴).

به هر حال با اطلاعات و اعلانات که از سوی متولی امر انتخاب و مطبوعات پراکنده شد. برخی علل و عوامل باعث به تعویق افتادن انتخابات گشت. فرایند انتخاب هیئت نظار در نظامنامه بدین گونه بود که اعضای مجلس مقننه برای جلوگیری از تقلب و دست بردن حکومت در نتایج انتخابات، هیئت نظار را از میان اعضای متشخص و معروف الحال شهر، به انتخاب خود اهالی محل مشخص کردند.^۱ بنابراین مهمترین عاملی که به تعویق زیاد انتخابات انجامید انتخاب هیئت نظارت از محلات ششگانه مشهد بود.

انتخاب هیئت نظار از اول شوال ۱۳۲۵ با پخش آگاهی‌های عمومی شروع شد (همان، ش ۶۴، ۱۳۲۵: ق: ۲). متین السلطنه به همراه عده‌ای چهار روز صرف مباحثه و گفتگو با محله سر شور کرد. تا اینکه حاجی محمد اسماعیل آقا تاجر کاشانی انتخاب گردید. سپس به محله نوغان رفتند تا نظار آنجا را هم مشخص کنند (همان، ش ۶۸، ۱۳۲۵: ق: ۱-۲). با این تفاسیر، کنار گذاردن حداقل یک هفته وقت برای انتخاب یک نفر از محلات سته بسیار طولانی بود و با احتساب تعداد محلات، حدود ۶ هفته انتخابات را به تعویق می‌انداخت. در کنار آن حبل المتین علت اصلی تعلل ۲ ماهه در امر انتخابات را، سنگ اندازی مستبدین در انتخاب هیئت نظار ششگانه معرفی می‌کند (حبل المتین تهران، سال اول، ش ۲۴۶، ۱۳۲۶: ق: ۳).

در این میان حتی با برخی استعفاها روبه‌رو هستیم. مثلاً حاج محمد اسماعیل کاشانی ناظر محله سرشور به واسطه مشکلاتی که به وجود آمد از مقام خود استعفا،

۱ بر طبق ماده ۱۹: «برای انتخاب اعضای انجمن نظارتی از معاریف انتخاب کنندگان از محلات شهر تشکیل می‌یابد و در تحت نظارت حاکم یا نایب الحکومه یا معاونشان خواهد بود.»

و از هم محله‌های خود خواست کسی دیگر را جایگزین وی کنند (خورشید، سال اول، ش ۹۸، ۱۳۲۵ ق: ۲).

سرانجام در اول ماه ذیحجه ۱۳۲۵ هیئت نظارت انتخابات تشکیل و از طرف این هیئت اعلانات و منشور انتخابات منتشر گردید (حبل‌المتین تهران، سال اول، ش ۲۲۸، ۱۳۲۶ ق: ۳). با توجه به اعیاد پیش رو عید اضحی را به مبارکی برای پخش تعرفه معین نمودند (خورشید، سال اول، ش ۹۱، ۱۳۲۵ ق: ۳-۴). قرار را بر این نهادند که روز ۱۱ ذیحجه تعرفه‌ها جمع آوری شود، و در روز ۱۲ ماه وکلای انجمن بلدی مشخص گردند (همان، ش ۹۵، ۱۳۲۵ ق: ۳).

روزنامه حبل‌المتین تأکید دارد که از قرار معلوم روز پنجشنبه دهم ماه^۴ برای پخش تعرفه به واجدین شرایط معین شده بود. ولی با مخالفت عده‌ای از روحانیون به سرسپردگی سید اسدالله قزوینی (به دلیل عدم وقوف و مذاقه در نظامنامه بلدی) متوقف شد (حبل‌المتین تهران، سال اول، ش ۲۲۸، ۱۳۲۶ ق: ۳). هر چند مشخص نبود نظامنامه‌ای که از طرف مجلس تصویب و از طریق علما تأیید شده بود چرا عده‌ای با آن مخالفت می‌نمودند.

مستبدین که به حسب ظاهر نتوانستند در برابر روشنگران مقاومت کنند با تحریک برخی علما پای آنان را به میدان باز کردند. دلیل اینکه موعد انتخابات را تغییر دادند انطباق زمان انتخابات با عید اضحی و عید غدیر بود که آنان معتقد بودند «اشتغال بامور مستحبه این ایام لازم است» و این جریان آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لهذا موافقت شد که تا ۱۹ ماه به تعویق افتد. در این واقعه هیجان عمومی خواستار موعد مقرر قبلی برای انتخابات بود و حتی *افتخار الواعظین*^۵ با بیانات غرای مخالفت و مزاحمت برخی‌ها را مخالفت با تمام مردم خراسان دانست. هر چند به هر طریق مجبور به پذیرش حرف علما شدند (حبل‌المتین تهران، سال اول، ش ۲۴۶، ۱۳۲۶ ق: ۳). طعنه‌ی روزنامه خورشید درباره مستبدان، در مقاله‌ای به صورت طنز با

عنوان «جواب میرزا ترسوی کاشانی از ملا بی پروای خراسانی از چه میترسی؟ برادر جان! مترس» به صورت بارز نمایان می‌گردد.

البته ناگفته نماند که علما در مقاطع خاصی نسبت به قوانین بلدی عکس العمل نشان می‌دادند. مجدالاسلام کرمانی در مقابله با این جریان با بیان اینکه مخارج بلدی برای مدیریت شهری از آسمان نمی‌آید مردم را مقید کرد که ماهانه مقرری خاصی برای فعالیت‌های بلدی بپردازند و در اینباره می‌گفت «هیچ احمقی نمیتواند بگوید گرفتن این وجوه چون خارج از خمس و زکوه است شرعاً بدعت و حرام است. زیرا این اعمال از قبیل امور عاریه است نه تکلیفیه» (مجدالاسلام کرمانی، ۱۳۵۶: ۲۷۴).

به هر حال پس از گفتگوهای بسیار قرار شد ۱۹ ماه ذیحجه را برای واگذاری تعرفه معین نمایند. سپس روز نوزدهم قرار شد هر محله‌ای جداگانه به دریافت تعرفه مراجعه کند و پس از گذشت یک هفته پس از واگذاری تعرفه‌های محلات ششگانه، انتخابات صورت پذیرد (حبل‌المتین تهران، سال اول، ش ۲۲۸، ۱۳۲۶ ق: ۳).

خبرنگار روزنامه خورشید به علت تغییر تاریخ انتخابات از ۱۰ ذیحجه به ۱۹ ذیحجه طی مصاحبه‌ای با متین‌السلطنه جویایی این مهم شد. اصلی‌ترین سوالی که خبرنگار می‌پرسد این است که آیا با توجه به فضای موجود و تغییر زمان، انتخابات برگزار می‌گردد؟ (خورشید، سال اول، ش ۹۹، ۱۳۲۵ ق: ۴) متین‌السلطنه در جواب این سوال به برخی مشکلاتی که از جانب مستبدان و روحانیون پیش آمده بود در لفافه اشاره می‌کند و در جواب محمد صادق تبریزی^۶ که «چشم و گوش اهالی» را در زمینه بلدی باز شده می‌داند می‌گوید: «این بنده نیز در همین اشتباه بوده‌ام و اکنون عرض میکنم آنچه حساً مشاهده نمودم عموم اهالی از خود رای ندارند- بلکه تبعیت از آراء چند نفر میکنند» (همان، ش ۱۰۰، ۱۳۲۵ ق: ۱). به هر حال متین‌السلطنه کناره‌گیری خود را از انتخابات به خاطر مسائل مذهبی و سیاسی که «شوخی بردار»

نیست اعلام می‌کند (همانجا). اما به نظر می‌رسد در ادامه به اجرای این مهم باز می‌گردد.

ماه محرم سراسر ذهن مردم درگیر انتخابات بود (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۱۶۶/۱). تا اینکه انجمن بلدی مشهد با آن همه مشکلات در روز ۱۸ محرم ۱۳۲۶ در منزل متولی مسجد افتتاح شد و مورد تهنیت و تبریک اکثر انجمن‌ها قرار گرفت (حبل المتین تهران، سال اول، ش ۲۵۶، ۱۳۲۶: ۳). اسامی منتخبین به شرح ذیل می‌باشد: جناب آقا میرزا مرتضی سرابی سلمه الله (۱۳۴ رأی)، جناب حاجی میرزا علی اصغر رضوی (۴۷ رأی)، جناب حاجی میرزا عبدالله متولی مسجد (۶۲ رأی)، شاهزاده منتصر الملک (۱۱۶ رأی)، جناب آقا میرزا عزیزالله مشرف آستان قدس (۹۵ رأی)، جناب آقا سید صادق یزدی (۴۷ رأی)، جناب آقا میر اسمعیل خرازی فروش (۳۹ رأی)، جناب حاجی امین الشریعه (۱۴۶ رأی)، جناب ملک الحکما (۷۱ رأی)، جناب حاجی دربانباشی (۵۷ رأی)، جناب آقای شیخ محمد حسن کاشانی (۳۹ رأی)، جناب اعتبار السلطنه (۸۲ رأی)، جناب حاجی شیخ عبدالرحیم مدرس (۳۳ رأی)، جناب امین التجار (۷۷ رأی)، جناب انتظام الواعظین (۳۹ رأی)، جناب دکتر فتحعلیخان (۷۰ رأی)، جناب حاجی صدر الذاکرین (۸۳ رأی)، جناب قوام الشریعه (۳۲ رأی)، جناب شجاع التولیه (۱۰۶ رأی)، جناب استاد حاجی معمار باشی (۴۲ رأی)، جناب حاجی معاون التجار (۱۱۶ رأی)، جناب حاجی محمد اسماعیل تاجر کاشانی (۱۸۲ رأی)، جناب حاجی عبدالرحیم صراف (۲۱۱ رأی)، جناب آقای مشهدی محمد عمو اوغلی (۷۹ رأی)

با بررسی اسامی نمایندگان اولین دوره انجمن بلدی شهر مشهد و با تکیه بر پسوندهای اسامی آنان می‌توان گفت بیشترین گرایش مردم مشهد بر انتخاب روحانیون و علما قرار داشت. به طوری که در حدود ۴۰ درصد نمایندگان دوره اول از مراتب روحانیت منجمله منبری، واعظ و متولی مسجد و حرم مطهر تشکیل می‌شد.

۲۵ درصد را اصناف و مردم عامی تشکیل می‌داند. در کنار آن ۲۰ درصد را نجبا و اشراف و در حدود ۱۵ درصد هم از طبقه تجار و تحصیلکردگان بودند.

۵. مشکلات و فعالیت‌های بلدیه

با رجوع به منابع محدود و مختلف، به غیر از تأسیس نهاد بلدیه که بحث‌هایی در بین جراید رواج داشت، پس از آن دیگر خبری از نوع سلوک انجمن بلدی در شهر مشهد مشاهده نمی‌شود. متأسفانه روزنامه خورشید که تا حدودی به درج اخبار انجمن بلدی رغبت نشان می‌داد آخرین شماره سال اول آن مصادف شد با اعلام نهایی اسامی منتخبین انجمن بلدی و از شماره‌های بعدی آن اطلاعی در دست نیست.^۷ به هر حال با وجود فقر شدید منابع درباره عملکرد این انجمن در مشهد، برخی مشکلات و فعالیت‌هایی که به طور پراکنده در منابع ذکر شده است را ذیلاً می‌آوریم.

(الف) اختلاف شدید اداره بلدیه با انجمن محلی (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۱۸۶)

(ب) تأسیس پلیس

روزنامه ایران اشاره کوچکی به در اختیارگیری پلیس شهر توسط بلدیه می‌کند. روزنامه مزبور می‌آورد که انجمن بلدی مشهد ۱۰۰ پلیس با ماهی شش تومان در اختیار گرفته است و حقوق ۱۵ روزه آنان را نیز پرداخته و با پارچه‌های وطنی برایشان لباس دوخته است (ایران، سال ۳۹، ش ۴، ۱۳۲۶ ق: ۴).

(ج) تعطیل کردن قهوه‌خانه‌ها (خارابی، ۱۳۷۹: ۷۴)

نتیجه

انقلاب مشروطیت زمینه مشارکت عمومی توده مردم را در ساماندهی امور شهری فراهم آورد. شهر مشهد به عنوان یکی از شهرهای بزرگ ایران بر طبق نظامنامه بلدی دارای ۳۰ نماینده شد که بیشترین آرای مأخوذه به نفع روحانیون و علمای شهر ریخته شد. در این میان آنچه حائز اهمیت است اعتماد توده مردم به قشر روحانیون

به عنوان یکی از ارکان انقلاب مشروطیت بود. علی‌ای حال با وجود اطلاعات اندک از اقدامات انجمن بلدی شهر مشهد، مردم همیاری خوبی با انجمن داشتند. وگرنه انجمن بلدی نمیتوانست در اندک مدتی نیروی نظمیه شهر را بدست بگیرد و حتی اقدام به استخدام سرباز نماید. این خود نشان دهنده قدرت زیاد انجمن مزبور است. بی گمان اگر بقایایی روزنامه خورشید پیدا شود؛ اطلاعات بسیطی از اقدامات آن به دست می‌دهد. خلاصه اینکه این جریان نشان داد که مردم می‌توانند با انتخاب نمایندگان هوشیار و توانمند، به سامان بهینه امور شهری بپردازند.

پی نوشت‌ها

۱. هر چند قدرت و اختیارات رئیس بیش از کلانتر بود (اشرف، ۱۳۵۳: ۲۵).
۲. عبدالحمید خان ثقفی ملقب به متین السلطنه پسر حاجی عبدالباقی طبیب تهران در سال ۱۳۰۸ قمری به دنیا آمد. وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی رهسپار لندن و پاریس شد. وی زبان به انگلیسی و فرانسه تسلط داشت و در علوم حقوقی، سیاسی و مالی کارآمد بود و از دانشگاه آکسفورد فارغ التحصیل شده بود. وی وظایف گوناگونی در طول زندگی اش تجربه نمود. چنانچه مدتی مترجم سفارت ایران در استانبول بود. بعد از مراجعت از استانبول گمرکات جنوب به وی محول شد و مدتی نیز امیر بحری کشتی دولتی ایران را در اختیار داشت. وی در زمینه روزنامه نگاری هم دست قوی داشت چنانچه در سال ۱۳۱۷ ق روزنامه طلوع را منتشر نمود و سپس در سال ۱۳۱۹ ق روزنامه مظفری را زیر طبع برد. پس از آن ۵ سال معاونت ریاست گمرگ خراسان را بر عهده گرفت و سپس نماینده دوره دوم مجلس شورای ملی از طرف مردم خراسان گردید. و به عنوان لیبر حزب اعتدالیون شناخته شد و نیابت مجلس را به دست آورد. وی در آغاز جنگ جهانی اول جریده عصر جدید را به زیور طبع آراست که از لحاظ سیاسی به متفکین نزدیک بود.

سرانجام متین السلطنه به واسطه مواضع سیاسی اش توسط کمیته مجازات ترور می شود (خانیان، ۱۳۸۸: ۴۵۵-۴۵۶).

۳. ناگفته نماند تنها حکومتی که بر طبق نظامنامه به وظایف قانونی خود جهت تشکیل انجمن بلدی مبادرت ورزید حکومت مشهد بود.

۴. به نظر می رسد که تاریخ درست همان ۱۰ ماه ذیحجه باشد زیرا روزنامه خورشید در شماره ۹۹ به این تاریخ اذعان می کند. (همان، ش ۹۹، ۱۳۲۵ ق: ۴)

۵. آقا شیخ حبیب الله ملقب به افتخار الواعظین پسر آقا شیخ قاسم تربتی بود. وی در سال ۱۲۹۳ ق در شهر مقدس مشهد زاده شد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه عباسقلی خان سپری کرد و در خدمت آخوند ملا غلام حسین شیخ الاسلام دوره فقه و اصول را تلمذ نمود و در سال ۱۳۱۵ در سلک واعظین و اهل منبر قرار گرفت. پس از آن به رشت رفت و در حدود ۱۰ سال به بیداری حس آزادی خواه مردم پرداخت و در سال ۱۳۲۵ به وطن اصلی خویش بازگشت و در دفاع از مشروطیت زحمات شایانی کشید. وی پس از مدتی به منطقه آذربایجان رفت و به نشر عقایدی مشروطیت پرداخت. بدین خاطر چندی هم در زندان گذر عمر کرد. پس از سقوط محمد علی شاه و انتخابات مجلس دوم از طرف مردم تربت بسمت وکالت انتخاب گردید (طوس، سال اول، ش ۱۲ (پنجشنبه ۱۶ ذیحجه ۱۳۲۷) ص ۴).

۶. از محمد صادق تبریزی (معتد السلطان) اطلاعات اندکی در منابع تاریخی وجود دارد. آنچه که مشخص است وی نخستین کار مطبوعاتی خود را در روزنامه ادب خراسان با ادیب الممالک فراهانی آغاز کرد. حتی در مقطعی معاونت ادیب الممالک در روزنامه را بر عهده داشت (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۲۵۳). و در زمان مسافرت ادیب الممالک به قفقاز در سال ۱۳۱۹ ق، شماره هایی از ادب را به طبع رسانیده است (قاسمی، ۱۳۸۶: ۲۴). وی روزنامه خورشید را در ۲۱ محرم ۱۳۲۵ منتشر کرد. این روزنامه در کنار جریده بشارت، مهمترین و تنها روزنامه مشهد در

دوره مشروطه اول بود. تا جایی که مورد توجه جراید دیگر هم قرار داشت (بنگرید به: ندای وطن، سال اول، ش ۲۱، ۱۳۲۵ ق؛ پلیس ایران، سال اول، ش ۳۸، ۱۳۲۸ ق). وی به امانتداری و صداقت در نشر اخبار مشهور بود تا جایی که به خاطر این عملش از طرف برخی اشخاص مورد ضرب و جرح قرار گرفت (روح القدس، سال اول، ش ۲۸، ۱۳۲۶ ق: ۴).

۷. روزنامه در مخزن کتابخانه ملی و مجلس شورای اسلامی و دانشگاه تهران دارای ۱۲۰ شماره است، که در صدمین سالگرد فرمان مشروطیت چاپ و توزیع شد. اما این ۱۲۰ شماره تمامی روزنامه نمی‌باشد. زیرا به گواهی بروان و صدر هاشمی این روزنامه تا سال ۱۳۲۹ ق منتشر می‌شده است (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۲۵۲؛ بروان، ۱۳۸۶: ۵۵۸/۱). به طوری که از سال دوم تا سال چهارم به طور پراکنده برخی از شماره های آن در کتابخانه های قدیمی موجود است. چنانچه در کتابخانه آستان قدس رضوی از سال دوم ۲ شماره (۱۴۱-۱۴۲)، از سال سوم ۳ شماره (۴۹-۵۱) موجود است (فهرست روزنامه ها و هفته نامه ها در سازمان کتابخانه ها و موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (از آغاز تا پایان سال ۱۳۸۴)، ۱۳۸۸: ۷۱۷/۱).

کتابنامه

- ابن اخوه، محمد بن احمد بن قریشی. (۱۳۶۷). آیین شهرداری در قرن هفتم هجری. ترجمه جعفر شعار. چاپ سوم، تهران: اساطیر.
- اشرف، احمد. (تابستان ۱۳۵۳). «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی». مجله نامه علوم اجتماعی. شماره ۴.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. (۱۳۶۲). مطلع الشمس (تاریخ ارض اقدس و مشهد مقدس). به اهتمام تیمور برهان لیمودهی. تهران: یساولی و فرهنگسرا.
- بروان، ادوارد. (۱۳۸۶). تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت. ج ۱، ترجمه محمد عباسی. تهران: علم.

- بهرنگی، صمد. (۱۳۸۴). آذربایجان در جنبش مشروطه. نشر کارگری سوسیالیستی.
- حقدار، علی اصغر. (۱۳۸۳). مجلس اول و نهادهای مشروطیت. تهران: مهر نامگ.
- خرابی، فاروق. (پائیز و زمستان ۱۳۷۹). «نقش انجمن ها در انقلاب مشروطیت». مجله نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۶.
- خانیان، فاطمه زهرا. (بهار ۱۳۸۸). «متین السلطنه و روزنامه عصر جدید». مجله پیام بهارستان. دوره دوم. شماره ۳.
- خسرو بیگی، هوشنگ. (تابستان ۱۳۸۱). «مقدمه ای بر تشکیلات اداری و نظامی ایران در اوایل دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۲۶۴ ق)». مجله نامه انجمن، شماره ۶.
- رجایی، عبدالمهدی. (مرداد ۱۳۸۵). «از «هیات نظاری» تا «انجمنهای ایالتی» نگاهی به چگونگی شکل گیری و فعالیت های انجمن های ایالتی و ولایتی در مشروطه». مجله زمانه، شماره ۴۷.
- دالمانی، هانری رنه. (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. ترجمه محمد علی فره وشی. تهران: امیرکبیر
- صدرهاشمی، محمد. (۱۳۶۳). تاریخ جراید و مجلات ایران. چاپ دوم. اصفهان: کمال.
- ظهیر الدوله، صفا علی خان. (۱۳۵۱). خاطرات و اسناد ظهیرا الدوله. به کوشش ایرج افشار. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی با همکاری فرانکلین.
- فرهانی منفرد، مهدی. (پائیز و زمستان ۱۳۷۸). «منصب کلانتر و چند سند در مورد دو تن از کلانتران عصر صفوی». مجله گنجینه اسناد. شماره ۳۵-۳۶.
- فوران، جان. (۱۳۸۸). مقاومت شکننده (فوران، جان، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی). ترجمه احمد تدین. چاپ نهم. تهران: رسا. ۱۳۸۸.
- فهرست روزنامه ها و هفته نامه ها در سازمان کتابخانه ها و موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (از آغاز تا پایان سال ۱۳۸۴). (۱۳۸۸). ج اول. به کوشش طاهر مهاجر زاده. زیر نظر دکتر سید رحمت الله فتاحی و سید فرید قاسمی، مشهد: سازمان کتابخانه ها و موزه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

شکل گیری اولین انجمن بلدی مشهد در دوره اول مجلس شورای ملی

- قاسمی، سید فرید. (۱۳۸۶). محمد صادق حسینی (ادیب الممالک فرهانی). تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- کتاب آبی، (۱۳۶۲). به کوشش احمد بشیری. جلد ۱. تهران: نشر نو.
- لمبتون، آن. (مرداد و شهریور ۱۳۸۲). «خاص گرای بومی و مردم عامی در ایران پیشامدرن». ترجمه لیلا چمن خواه. مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۹۱-۱۹۲.
- متولی حقیقی، یوسف. (۱۳۹۰). «نقش مردم مشهد در انقلاب مشروطیت». روزنامه خراسان، شماره ۱۷۸۷۱
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی. (۱۳۲۵). دوره اول. تهران: انتشارات اداره روزنامه رسمی کشور.
- مجدالاسلام کرمانی، احمد. (۱۳۵۶). تاریخ انحطاط مجلس. مقدمه و تحشیه محمود خلیل پور. چاپ دوم. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- ملکزاده، مهدی. (۱۳۶۳). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. جلد ۳. چاپ دوم. تهران: علمی.
- نفیسی، سعید. (۱۳۲۵). «حیدرخان عمواعلی». یادگار. شماره ۵.

روزنامه ها

- ایران، سال سی و نهم، ۱۳۲۶ ق
- بشارت، سال اول، ۱۳۲۵ ق
- پلیس ایران، سال اول، ۱۳۲۸ ق
- تربیت، سال نهم، ۱۳۲۴ ق
- تمدن، سال اول، ۱۳۲۵ ق
- حبل المتین تهران، سال اول، ۱۳۲۶ ق
- خورشید، سال اول، ۱۳۲۵ ق
- روح القدس، سال اول، ۱۳۲۶ ق
- طوس، سال اول، ۱۳۲۷ ق
- مجلس، سال اول، ۱۳۲۴-۱۳۲۵ ق
- ندای وطن، سال اول، ۱۳۲۵ ق



پښتونستان د علومو انساني او مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی